خبر

اتفاقی جالب در لیگ نوزدهم

رحمتی پیرترین دروازه‌بان، سیدجلال پیرترین بازیکن!

● در لیگ نوزدهم مهدی رحمتی مسن‌ترین دروازه‌بان خواهد بود و در صورتی که دروازه‌بان‌ها نادیده گرفته شوند، جلال حسینی مسن‌ترین بازیکن لیگ خواهد بود.

به گزارش وب‌سایت نود، تنها بازیکنی که در لیگ هجدهم سن بیشتری از مهدی رحمتی داشت، احتمالا در فصل جدید حضور ندارد و مهدی رحمتی مسن‌ترین بازیکن فصل جدید لیگ برتر خواهد شد. محسن بنگر متولد پانزدهم تیرماه ۱۳۵۸ نیم‌فصل قبل از پارس‌جنوبی‌جم راهی لیگ یک شد و بعید است که در این سن به لیگ برتر برگردد؛ اتفاقی که اگر رخ دهد، مهدی رحمتی متولد ۱۳۵۹/۰۷/۰۴ مسن‌ترین بازیکن لیگ نوزدهم لقب می‌گیرد. بعد از مهدی رحمتی، رحمان احمدی، دروازه‌بان پارس‌جنوبی حضور دارد. با توجه به سقوط سپیدرود، احتمالا علیرضا نورمحمدی هم در لیگ نوزدهم جایی نخواهد داشت و جلال حسینی سومین بازیکن مسن لیگ می‌شود. در فصلی که گذشت، خسرو حیدری متولد ۱۳۶۲/۰۶/۲۳ و سهیل حق‌شناس ۱۳۶۱/۰۴/۰۵ از فوتبال خداحافظی کردند. تاریخ تولد ایمان مبعلی هم ۱۳۶۱/۰۸/۱۲ بود که در نیم‌فصل به دوران بازیگری‌اش پایان داد و وارد کادر فنی فولاد شد. همچنین ابوالفضل ابراهیمی، هافبک پیکان هم در تاریخ ۱۳۶۱/۰۷/۰۱ متولد شده بود و در این فصل راهی لیگ یک شد تا برای بادران بازی کند و در لیگ نوزدهم جایی نخواهد داشت.

تاج خواستار تجهیز ورزشگاه‌ها شد

● رئیس فدراسیون فوتبال ایران خواستار تجهیزشدن ورزشگاه‌های تیم‌های لیگ‌برتری شد.

«مهدی تاج»، رئیس فدراسیون فوتبال، با ارسال نامه‌ای به استانداران اصفهان، آذربایجان شرقی، کرمان، خوزستان، بوشهر، تهران و خراسان رضوی خواستار آماده‌کردن شرایط ورزشگاه‌ها برای برگزاری مسابقات لیگ برتر فصل آینده شد.

در این نامه آمده است:«سازمان لیگ در راستای اجرای منویات و مصوبات شورای امنیت کشور و همچنین قوانین صدور مجوز حرفه‌ای AFC، در نظر دارد در فصل پیش‌رو لیگ برتر فوتبال از برگزاری مسابقات در استادیوم‌هایی که فاقد استانداردهای اولیه ایمنی و امنیتی اعم از (استادیوم‌های فاقد بلیت‌فروشی الکترونیکی، شماره‌گذاری صندلی، دوربین‌های مداربسته و خدمات رفاهی تماشاگران) می‌باشند، خودداری و باشگاه‌های لیگ‌برتری استان متبوع می‌بایست تا تیرماه سال جاری نسبت به رفع درخواست‌های شورای محترم امنیت کشور اقدام کنند. بدیهی است در غیر این صورت باشگاه‌ها ملزم به معرفی استادیوم ثالث با امکانات مشروحه فوق در آن استان و یا استان‌های همجوار بوده و از سازمان لیگ فوتبال مجوز برگزاری مسابقه اخذ کنند».

ملاقات‌های ورزشی صالحی‌امیری در سوئیس

● رئیس کمیته ملی المپیک با مسئولان برخی کشورها در لوزان سوئیس دیدار کرد. رضا صالحی‌امیری برای افتتاح ساختمان جدید IOC به لوزان سوئیس رفته و در حاشیه آن دیدارهایی با برخی مسئولان ورزشی خارجی داشته است. صالحی‌امیری در محل لابی هتل لوزان پالاس تاکنون با چهار نفر، از جمله رئیس کمیته المپیک کره، دبیرکل انوک، محمد جلود، دبیرکل وزنه‌برداری و نایب‌رئیس شیخ احمد ملاقات کرده است. این دیدارها جهت تبادل تجربیات، افزایش همکاری و جذب حمایت انجام می‌شود. در حاشیه این سفر قرار است دکتر صالحی‌امیری به همراه هیئت همراه دیداری با رؤسا و نمایندگان کمیته‌های المپیک عضو اکو داشته باشد تا آخرین هماهنگی‌ها درخصوص بازی‌های ورزشی اکو که به میزبانی کشورمان در جزیره کیش برگزار می‌شود صورت پذیرد.

سجاد استکی به لیگ فرانسه پیوست

● گوش چپ تیم ملی هندبال ایران با جدایی از استوابخارست رومانی راهی لیگ فرانسه شد و به عضویت سسون درآمد. به گزارش ایسنا و به نقل از handnews، تیم سسون فرانسه سجاد استکی، بازیکن ایرانی را که ۱۰۲ کیلوگرم وزن و ۱.۸۹ سانتی‌متر قد دارد به خدمت گرفت. استکی در تیم استوابخارست رومانی در لیگ قهرمانان اروپا به میدان رفت و ۸۹ گل به ثمر رساند. استکی فصل قبل به‌عنوان ارزشمندترین بازیکن لیگ رومانی انتخاب شد. این بازیکن گوش چپ، در قطر و آلمان نیز سابقه بازی دارد.کریستیان گائودین، سرمربی تیم فرانسوی، درباره جذب سجاد استکی گفت: سجاد بازیکن خیلی خوبی است و ما شناخت خوبی از او داشتیم. من وقتی رومانی بودم او را زیر نظر داشتم. قطعا حضور بازیکنی مانند سجاد می‌تواند انرژی و تأثیرگذاری بالا را به تیم ما در خط حمله اضافه کند.

عکس: Reuters

نگاهی به وضعیت دیپلماتیک ایران و آمریکا قبل از مسابقه جام جهانی

۲۱ سال از خرداد تاریخی گذشت

۳۱ خرداد ۱۳۷۷ برای ایرانی‌ها و ۲۱ ژوئن ۱۹۹۸، برای اروپایی‌ها و به‌ویژه آمریکایی‌ها شبی به‌یادماندنی شد؛ آن شب، فیفا، مسئول برگزاری رقابت‌های جام جهانی به تب‌وتاب افتاده بود تا یکی از «متفاوت‌ترین» بازی‌های تاریخ جام جهانی را برگزار کند؛ بازی‌ای که قرار بود در ورزشگاه «ژرلان» لیون برگزار شود. آن شب قرار بود برای اولین‌بار در تاریخ دو تیم ایران و آمریکا در عرصه فوتبال و در جام جهانی به مصاف هم بروند. از مدت‌ها قبل و البته از وقتی که مشخص شده بود این دو تیم در مرحله گروهی باید با هم مچ‌اندازی کنند، بحث‌ها پیرامون این دیدار زیاد شده بود. فیفا اسمش را بازی «برادری» گذاشته و همه تلاشش را کرده بود تا نشان دهد فوتبال از سیاست جداست. البته با نگاهی به وضعیت سیاسی موجود در آن زمان، مشخص می‌شود تنش‌های سیاسی ایران و آمریکا هم متفاوت‌تر از چیزی بود که این روزها دیده می‌شود؛ متفاوت‌تر از پهپادی که آمریکا بر فراز ایران به پرواز درآورده و با واکنش سریع ایران همراه شد.

شرایط سیاسی ۲۱ سال پیش - کمی قبل از آغاز آن دیدار سرنوشت‌ساز- شکل دیگری داشت؛ هرچند همان زمان هم درست مثل همین روزها رابطه دیپلماتیک دو کشور، تیره بود و افق‌های روشن کمی برایش ترسیم می‌شد.بعد از انقلاب اسلامی، رابطه دیپلماتیک ایران و آمریکا کاملا قطع شد؛ یعنی از سال ۱۹۷۹ تا آن شب حیاتی در ژوئن ۱۹۹۸، چیزی به غیر از خط‌ونشان‌کشیدن سیاسی وجود نداشت. بااین‌حال انگار آن بازی بهانه‌ای شده بود تا «تنش‌ها» کمتر و به این رابطه دیپلماتیک جور دیگری نگاه شود. آن روزها، محمد خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران، باب تازه‌ای در دیپلماسی دنیا گشوده بود. او با دولت اصلاح‌طلبش «گفتمان سیاسی» را مد کردند و تلاش کردند همه‌چیز را بر پایه گفتمان بگذارند. بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در دسامبر ۱۹۹۷ خیلی سریع به رویکرد تازه دولت ایران واکنش مثبت نشان داد. رئیس آن روزهای کاخ سفید گفت: «خواسته‌ای به غیر از مذاکره با ایران ندارم، به شرط آنکه صادقانه درباره مسائل موجود با یکدیگر صحبت کنیم». کمی بعد؛ یعنی ژانویه ۱۹۹۸ محمد خاتمی در گفت‌وگو با CNN به افزایش ارتباطات فرهنگی، ورزشی و توریستی بین ایران و آمریکا اشاره کرد تا دیوارهای بی‌اعتمادی تکان کوچکی بخورند. آن زمان شرایط سیاسی به‌گونه‌ای پیش رفته بود که بسیاری از کشورهای اروپایی خبر از مذاکره مستقیم دو کشور ایران و آمریکا در آینده‌ای نزدیک می‌دادند، البته همان گشایش‌های اندک هم برای سران اروپایی به منزله اتفاق مثبتی در بهبود روابط سیاسی ایران و آمریکا بود، به‌ویژه اینکه نزدیک به دو هفته بعد از مصاحبه محمد خاتمی با CNN، بیل کلینتون به مناسبت عید فطر پیامی برای تهران فرستاد و «پشیمانی از وضع موجودِ» بین دو کشور را عنوان کرد، ولی گفت مشکلاتی که در این میان وجود دارند «برطرف‌شدنی» است.

دیپلماسی فوتبال

پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه در مورد حل‌وفصل‌شدن مشکلات ایران و آمریکا بین سران کشورهای اروپایی در شرایطی رو به فزونی بود که چهار روز قبل از دیدار حساس ایران و آمریکا در جام جهانی، مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا، پیشنهاد ایجاد مشروط روابط دوطرفه بین ایران و آمریکا را داد. «حفره‌ای که بین ما وجود دارد هنوز عمیق است، ولی باید سازوکاری اتخاذ کنیم تا بتوانیم این حفره را پر کنیم». فردایش بیل کلینتون از یک آشتی متقابل حرف زد و عنوان کرد ایران تغییرات مثبتی داشته است. او همچنین ابراز امیدواری کرد مسابقه ایران و آمریکا در جام جهانی محلی برای پایان‌دادن به اختلاف دو طرف باشد. شرایط دیپلماتیک برای بهبود روابط آمریکایی‌ها با ایرانی‌ها به‌گونه‌ای پیش رفت که همان روزی که قرار بود مسابقه برگزار شود، کلینتون ویدئویی تصویری منتشر کرد و در آن صحبت‌های مهمی را به زبان آورد. «امیدوارم این بازی پایانی باشد بر خصومت بین دو ملت... به خودم بابت کاری که رئیس‌جمهور خاتمی و من انجام داده‌ایم تا شرایط بهتر و بهتر شود تبریک می‌گویم». این‌طور شد که واژه «دیپلماسی فوتبال» در همان روزها شکل گرفت؛ خیلی‌ها آن بازی را به «دیپلماسی پینگ‌پنگ» که در دهه ۷۰ میلادی شکل گرفت و رابطه بین آمریکا و چین کمونیست را بهبود بخشید، تشبیه کردند.

سمبل‌ها

بازیکنان ایران و آمریکا هم پی برده بودند که آن بازی جام جهانی شباهتی به هیچ‌یک از بازی‌هایی که تا به حال در آن به میدان رفته بودند ندارد. الکسیس لالاس، یکی از ستاره‌های فوتبال آمریکا، قبل از بازی گفت: «این مسابقه بر سرنوشت کره زمین تأثیر می‌گذارد». در ورزشگاه لیون، فضا حسابی امنیتی شده بود. نیروهایی که برای تأمین امنیت این بازی در نظر گرفته شده بودند به وضوح بیشتر از بقیه بازی‌های جام جهانی ۱۹۹۸ بودند. جو البته اندکی ملتهب به نظر می‌رسید، به‌ویژه اینکه همان زمان‌های اولیه مردی از روی سکوها می‌خواست خودش را به زمین مسابقه برساند که با دخالت نیروهای امنیتی گرفتار شد. روی سکوها هم فریاد «مرگ بر خاتمی!» به گوش می‌رسید. عده‌ای از افراد گروه مجاهدین خلق خودشان را به ورزشگاه رسانده بودند و با دست‌نوشته‌ها و بنرهایی که آورده بودند می‌خواستند حمایتشان از مریم رجوی را نشان دهند. فریاد مرگ بر خاتمی را هم همان‌ها سر می‌دادند. بااین‌حال فیفا سعی کرده بود به این بازی به چشم دیگری نگاه کند. بازیکنان تیم ملی که گل سرسبد آنها علی دایی با آن سبیل معروفش بود، هرکدام با دسته‌گل‌های سفید از از راهروی منتهی به زمین وارد شدند و گل‌ها را به بازیکنان تیم ملی آمریکا دادند. وقتی سرود ملی دو کشور خوانده شد، کسی روی سکوها سرودها را هو نکرد. بازیکنان دو تیم هم عکس یادگاری بسیار معروفی با هم گرفتند که به‌سرعت در سراسر دنیا مخابره شد. در زمین فوتبال اما شرایط به آشوبی دل سیاست‌مداران نبود؛ ملی‌پوشان ایرانی با اتکا به تاکتیکی درست‌تر، دست‌آخر موفق شدند به برد ارزشمند ۲ بر یک برسند: اولین پیروزی تاریخ ایران در جام جهانی. مقام معظم رهبری بلافاصله بعد از پایان بازی پیامش را منتشر کرد. «امشب نیز یک‌بار دیگر حریف قوی‌پنجه و مستکبر طعم تلخ شکست را از دست شما چشید. خرسند باشید که ملت ایران را خرسند کردید». محمد خاتمی هم آن برد را «سمبل همبستگی ملی» خواند. آن‌طرف و از سوی آمریکایی‌ها هم سخنگوی دولت بیانیه‌ای را منتشر کرد و گفت: «ارتباط اولیه شکل گرفت. این بازی دیوار بی‌اعتمادی را فروریخت و درک درستی به وجود آورد. این تازه شروع است...».آن شروع اما دیری نپایید که دوباره رنگ‌ورورفته شد؛ بیل کلینتون که از ریاست‌جمهوری آمریکا رفت، جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۰ روی کار آمد و خیلی زود کلمات خصمانه‌اش را با مخاطب قراردادن ایرانی‌ها تکرار کرد؛ او ایران را «محور شرارت» توصیف کرد تا تمام خوش‌بینی‌های حزب مقابل برای ساختن رابطه‌ای دیپلماتیک با ایران را از بین ببرد. در ایران هم خاتمی جایش را به محمود احمدی‌نژاد داد... .

شکست‌ناپذیری والیبالیست‌ها در خانه ادامه دارد

لبخند ایران به دهمین پیروزی

شکست‌ناپذیری والیبال ایران در خانه همچنان ادامه دارد. شاگردان ایگور کولاکوویچ که هفته سوم لیگ ملت‌های ۲۰۱۹ را با سه پیروزی شیرین در ارومیه به پایان رساندند، در هفته چهارم این مسابقات هم به نتایجی مطلوب رسیدند. رقابت‌های این مرحله در حالی در سالن شش هزاری نفری حسین رضازاده در اردبیل در جریان است که سروقامتان بعد از برد برابر پرتغال، مقابل استرالیا هم به برتری رسیدند. آنها عصر روز گذشته در دیداری که کاملا یک‌طرفه بود، به مصاف این رقیب دیرینه خود رفتند و موفق شدند با نتیجه ۳ بر صفر برنده از زمین خارج شوند. ست‌های اول و دوم این بازی با امتیاز مشابه ۲۵ بر ۱۹ تمام شد و امتیاز ۲۵ بر ۱۴ هم برای ست سوم به دست آمد. تیم‌های ملی والیبال ایران و استرالیا تاکنون ۲۳ بار در رویدادهای مختلف با هم روبه‌رو شده‌اند که ایران با ۱۳ برد، بیشترین سهم را در پیروزی‌ها داشته است.ایران تا این لحظه از لیگ ملت‌های والیبال ۲۰۱۹ یازده بازی انجام داده و به ۱۰ برد ارزشمند دست یافته است. تنها باخت نماینده کشورمان در هفته دوم مسابقات مقابل برزیل بود که ۳ بر ۲ شد. والیبالیست‌های ایرانی درحال‌حاضر با ۱۰ برد و کسب ۲۷ امتیاز، صدر جدول این مسابقات را به خود اختصاص داده‌اند و صعود خود را به مرحله نهایی قطعی کرده‌اند. مرحله نهایی با حضور پنج تیم برتر جدول و تیم میزبان (آمریکا) از ۱۹ تا ۲۳ تیر در شیکاگو برگزار می‌شود.شاگردان ایگور در شرایطی در هفتمین سال حضور خود در این رویداد بزرگ نمایشی فوق‌العاده داشته‌اند که پیش‌تر در سال ۲۰۱۳ با سرمربیگری اسلوبودان کواچ به عنوان چهارمی دست یافته‌اند. به اعتقاد کارشناسان با توجه به عملکرد خیره‌کننده بازیکنان در رقابت‌های امسال، ایران شانس کسب مدال خواهد بود. تیم ملی کشورمان امروز در آخرین دیدار از مرحله گروهی لیگ ملت‌های ۲۰۱۹ به مصاف فرانسه خواهد رفت.

۳ ایرانی زیر پرچم IOC در المپیک ۲۰۲۰ توکیو!

شرق: کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) تعداد ورزشکارانی را که می‌توانند با پرچم این کمیته (پرچم پنج حلقه) در بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ توکیو شرکت کنند، مشخص کرد. IOC پیرو قانونی که در حمایت از ورزشکاران پناهنده دارد، در هر دوره از بازی‌های المپیک شرایطی را فراهم می‌کند تا تعدادی از این ورزشکاران، جواز حضور در بزرگ‌ترین رویداد ورزشی دنیا را به دست آورند. به‌این‌صورت که با پرداخت کمک‌هزینه‌ای به ورزشکاران پناهنده، آنها را در رقابت‌های انتخابی شرکت می‌دهد تا بتوانند برای کسب سهمیه المپیک تلاش کنند؛ اما کمیته بین‌المللی المپیک برای این دوره از بازی‌های المپیک این فرصت را به تعداد درخورتوجهی از ورزشکاران پناهنده داده است. در فهرستی که از سوی IOC منتشر شده، به ۳۷ ورزشکار پناهنده در رشته‌های دوومیدانی، بدمینتون، بوکس، جودو، کاراته، شنا، تکواندو و وزنه‌برداری مجوز شرکت در المپیک ۲۰۲۰ توکیو داده شده است. نکته درخورتوجه این فهرست قرارگرفتن نام سه ورزشکار پناهنده زن و مرد ایرانی در بین این ۳۷ نفر است؛ ورزشکارانی که هر سه در رشته تکواندو فعالیت می‌کنند. امیرمحمد حسینی در وزن ۵۸- کیلوگرم و کسرا مهدی‌پورنژاد در وزن ۸۰- کیلوگرم پناه‌جویانی هستند که درحال‌حاضر در آلمان زندگی می‌کنند. حسینی و پورنژاد پیش از مهاجرت در ایران نیز به طور حرفه‌ای تکواندو را دنبال می‌کردند؛ اما هیچ وقت نتوانستند در سطح بین‌المللی صاحب عنوان یا مقامی بشوند. حضور این تکواندوکاران در عرصه ورزش تنها محدود به رقابت‌های کشوری بود و در مقطع کوتاهی هم به اردوی تیم ملی دعوت شدند. دینا پوربونس در وزن ۴۹- کیلوگرم، دیگر تکواندوکار ایرانی است که مقدمات حضور در المپیک ۲۰۲۰ برای او فراهم شده است. او درحال‌حاضر در هلند زندگی می‌کند. پوربونس در حالی تصمیم به مهاجرت گرفت که سابقه عضویت در تیم‌های ملی را داشت. او مدال برنز رقابت‌های بزرگسالان قهرمانی آسیا در سال ۲۰۱۲ و مدال طلای نوجوانان غرب آسیا در سال ۲۰۰۹ را در کارنامه دارد. این برای دومین بار است که ورزشکاران پناهنده ایران تصمیم به حضور در بازی‌های المپیک گرفته‌اند.پیش‌ازاین در المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو، راحله آسمانی که او هم از تکواندوکاران ملی‌پوش بود، برای نخستین‌بار به‌عنوان یک ورزشکار پناه‌جو از ایران توانست تجربه شرکت در بازی‌های المپیک را با پرچم IOC به دست آورد. راحله آسمانی از آن دست ورزشکاران معترضی بود که پس از بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ گوانگجو انتظار داشت طبق وعده‌هایی که مسئولان ورزش کشور داده بودند، به او نیز یک باب خانه بعد از کسب مدال نقره در این میدان بزرگ آسیایی بدهند؛ اما چنین نشد؛ چراکه فقط به دارندگان مدال طلای بازی‌های آسیایی گوانگجو آن هم با شرط متأهل‌بودن خانه تعلق گرفت.

آسمانی توانسته بود در بازی‌های آسیایی تاریخ‌ساز شود. او اولین زن ایرانی در این رشته بود که توانست به فینال بازی‌های آسیایی برسد. در فینال وزن ۶۲ کیلوگرم به نماینده کره جنوبی باخت و نقره گرفت. طلای تورنمنت منچستر، طلای جام بین‌المللی فجر و چندین مقام قهرمانی کشور حاصل پنج سال حضور راحله در تیم ملی ایران بود. طلای مسابقات آزاد ۲۰۱۳ آلمان، برنز مسابقات آزاد بلژیک، طلای مسابقات مستر هلند و نشان طلای ۲۰۱۳ تایپا از عناوینی است که آسمانی پس از مهاجرت به بلژیک کسب کرده است. این تکواندوکار در المپیک ۲۰۱۶ ریو در وزن ۵۷- کیلوگرم مسابقه داد و پس از باخت برابر حریفی از بریتانیا، از دور بازی‌ها حذف شد. کمیسیونی که در IOC حمایت از ورزشکاران پناهنده را برعهده دارد، در بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو، مبلغی بالغ بر دو میلیون دلار را به سه ورزشکار پناهنده اختصاص داد تا شرایط لازم را برای حضورشان در مسابقات کسب سهمیه المپیک ریو فراهم کند.

افغانستان، کامرون، جمهوری دموکراتیک کنگو، اریتره، اتیوپی، جمهوری اسلامی ایران، سودان جنوبی، سودان و سوریه کشورهایی هستند که ورزشکاران پناه‌جوی آنها در صورت کسب سهمیه باید با پرچم پنج حلقه در المپیک ۲۰۲۰ توکیو به میدان بروند.

واکنش

افشاگری نکونام درباره اتهام فروش بازی ایران به قطر

● جواد نکونام با ۱۵۱ بازی ملی یکی از سرشناس‌ترین بازیکنان ایران و آسیا محسوب می‌شود. کاپیتان سابق تیم ملی به عنوان یکی از مشهورترین لژیونرها، با سابقه بازی در لالیگا به‌تازگی هدایت فولاد را در لیگ نوزدهم برعهده گرفته است. او در مصاحبه‌ای که برنامه «سلام صبح بخیر» پخش کرد، صحبت‌های جالبی درباره همه حواشی سال‌های گذشته، مربیگری تیم ملی، کارلوس کی‌روش و... انجام داد.

خسته شده بودم و نیاز بود خداحافظی کنم: روزی که حضور ملی خود را شروع کردم، نمی‌دانستم چند بازی می‌کنم اما خوشحالم در تیم ملی حضور داشتم و در دو بازی آخر هم گل زدم. اما ادامه کار برایم خیلی سخت بود. من از تیم نوجوانان و جوانان گرفته تا امید و تیم ملی در همه تیم‌ها و رده‌ها بازی کردم. همیشه در اردو و شرایط پروازی بودم. این کار انگیزه و روحیه بالایی می‌خواهد و من اواخر کار خسته شده بودم. بنابراین می‌خواستم فوتبال را کنار بگذارم؛ به‌ویژه که تیم ملی به نیروهای جدید نیاز داشت اما چند نفر از بازیکنان خواستند من را منصرف کنند اما من تصمیم خود را گرفته بودم.

شایعه فروش اطلاعات کی‌روش به قطر باورکردنی نبود: ما در اردوی دوبی بودیم و قبل از اینکه به قطر برویم، این صحبت‌ها پیش آمد. من به عنوان یک بازیکن و کاپیتان تیم، می‌دیدم تمرینات با چه جدیتی در حال برگزاری است و با آگاهی از زحمات بازیکنان و کادر فنی، از چنین موضوعی واقعا ناراحت شدم.یادم می‌آید یکی از مسئولان ورزشی همان‌جا به من گفت بله این اتفاق افتاده است و اطلاعات بازی را فروخته‌اند. او به من گفت تو خودت حواست به تیم باشد و بچه‌ها را جمع کن که خوب کار کنند. ما هم به اینجا آمده‌ایم که بالای سر تیم باشیم و حواسمان باشد. من گفتم اصلا چنین چیزی نیست و دارم با تیم تمرین می‌کنم و می‌بینم همه چه زحمتی می‌کشند. من اسم این مسئول را هم نمی‌توانم بگویم چون صحبتی بود که فقط بین دو نفر بود و هیچ‌کس از آن خبردار نشد.من صحبت‌های این شخص را حتی به آقای کی‌روش هم نگفتم و ناراحتی‌ام به حدی بود که با وجود اینکه می‌خواستم چند نفر را خبردار کنم، اما ترجیح دادم حرفی نزنم و این قضیه پیش خودم بماند. حتی اگر به بازیکن‌ها هم می‌گفتم، اعتماد نسبت به مربی از بین می‌رفت و نمی‌شد کار را جمع کرد.کی‌روش در نهایت متوجه نشد که من با چه کسی حرف زدم اما ببخشید، وقتی که یک روزنامه عکس او را با لباس عربی منتشر می‌کند و می‌گوید چنین اتفاقی در حال رخ‌دادن است، متوجه کلیت ماجرا می‌شود. من بعد از بازی به آقایان گفتم واقعیت چیز دیگری است. وقتی می‌بینم یک مربی این‌قدر زحمت می‌کشد، یعنی دنبال این است که تیمش نتیجه بگیرد. خدا را شکر که آن بازی را بردیم و بعد لبنان را هم بردیم و تیم صعود کرد.

هم من مقصر بودم هم کی‌روش: درباره حواشی اردوی تیم ملی در دوبی نه از فدراسیون نه از من هیچ وقت توضیحی نخواهید. من زمانی باید این را باز کنم که دیگر کاری نداشته باشم. کی‌روش و من به اندازه خودمان تقصیر داشتیم. فعلا شرایط طوری نیست که بخواهم حرف بزنم. فقط بگویم ما استقبال‌هایمان یک‌طور و بدرقه‌هایمان طوری دیگری است.

مازیچ قبول نمی‌کرد که روی دژاگه پنالتی شده: مازیچ را بعدا در بازی العربی و السد در قطر دیدم. با او صحبت کردم ولی هنوز هم روی حرفش بود و می‌گفت خطای پنالتی روی دژاگه انجام نشده بود. ویلیامز را در فرودگاه ازبکستان دیدیم و نمی‌شد با او صحبت کنیم. خود آقای کی‌روش هم بود و جوری به او نگاه می‌کرد که فکر کنم اگر یک کلمه با هم حرف می‌زدند، دعوا می‌شد.

هر کاری کردند که ایران قهرمان جام ملت‌ها نشود: وضعیت در بازی با عراق خیلی بد بود. آن تیم ایران خیلی خوب بود و می‌توانست جام را ببرد. ولی همه زورشان را زدند که ایران را از جام کنار بگذارند. نمی‌دانم اسمش مافیا بود یا چه. در جام ملت‌های ۲۰۰۴، چین میزبان بود که ما را با ناداوری برد اما عراق اصلا تیمی نبود که بتواند ما را ببرد. مثلا زمانی که ما یک هیچ جلو بودیم، بازی آن‌قدر راحت و خوب بود که من فکر می‌کردم ۳ بر صفر می‌بریم. وقتی که ما ۱۰نفره بودیم، عراق به جز سه گلی که زد، هیچ موقعیتی نداشت. بازی طوری بود که عراق راحت از ما سه گل می‌خورد. تنها چیزی که می‌توانست شرایط را عوض کند، همین مسائل بود.

قرار نیست دستیار مربی خارجی تیم ملی شوم: من سه سال و نیم پیش قرار بود سرمربی تیم جوانان شوم که این اتفاق نیفتاد. دو سال قبل جلسه‌ای با کی‌روش و تاج داشتم تا سرمربی تیم امید شوم، همه چیز خوب پیش رفت اما در نهایت موافقت نشد. من آن زمان هم می‌توانستم تیم خوبی ببندم و آن را برای المپیک آماده کنم. برای دستیاری تیم ملی هم هر مربی‌ای که بیاید، من نمی‌توانم دوباره برگردم و دستیار باشم چون دیگر سرمربی شده‌ام.